

ضرورت قانون اساسی برای اداره و تنظیم امور سالم کشور

The Need for a Constitution to Govern and Regulate the Affairs of the Country

DOI: 10.64104/SecondRound.Issue.5.n7.2024

عبدالحمید رفعت^۱، عطاءالحق انس^۲

چکیده

قانون اساسی مهمترین سند حقوقی یک کشور بوده که همه امور و ساختارهای نظام کشوری را تنظیم مینماید.

قانون اساسی به حیث یک ضرورت و نیاز مبرم جوامع انسانی از دیر باز جوابگوی این نیازها بوده و در آینده نیز به نقش آفرینی خویش در رفع این ضرورتها و نیازها در تمام جوامع و به خصوص در افغانستان ادامه خواهد داد.

در این مقاله به نیاز و ضرورت قانون اساسی برای همه کشورها و به خصوص افغانستان پرداخته ایم که چرا افغانستان در عصر فعلی قانون اساسی داشته باشد و قانون اساسی چه نقشی را در ایجاد ساختار یک نظام سیاسی سالم ایفاء کرده میتواند؟

روش تحقیق به لحاظ نوع تحقیق، توصیفی - تحلیلی و به لحاظ روش شناسی تحقیق بر اساس نوع مطالب و یافتهها، روش کیفی است و روش جمع آوری مطالب و یافتهها کتابخانه ای و در موارد بسیار محدود هم اینترنتی میباشد.

در این مقاله موضوعات چون: تعریف قانون اساسی، سیر تاریخی قوانین اساسی، جایگاه قانون اساسی در شریعت اسلامی و نیاز و ضرورت افغانستان به قانون اساسی به بحث گرفته شده در نهایت بحث با نتیجه گیری مختصر، پیشنهادات و منابع و مأخذ خاتمه پیدامیکند.

کلیدواژه ها: شریعت اسلام، قانون اساسی، دولت، نظام سیاسی، میثاق.

^۱ عضو کادر علمی پوهنځی حقوق و علوم سیاسي پوهنتون سلام، 0775941971، abdulhamidrafat@gmail.com

^۲ عضو کادر علمی پوهنځی حقوق و علوم سیاسي پوهنتون سلام، 0784361717، Ataulaqanas333@gmail.com

قانون اساسی مهمترین سند حقوقی یک کشور بوده که همه امور و ساختارهای نظام کشوری را تنظیم مینماید. قانون اساسی به حیث یک ضرورت و نیاز مبرم جوامع انسانی از دیر باز جوابگوی این نیازها بوده و نیز در آینده به نقش آفرینی خویش در رفع این ضرورتها و نیازها در تمام جوامع و به خصوص در افغانستان ادامه خواهد داد. افغانستان کشوری با تاریخی پنج هزار ساله، زمینههای سیاسی و فرهنگی متنوع و آسیبپذیری داشته و این آسیبپذیریها سبب گردیده که ثبات نظام سیاسی را در مقاطع مختلف تاریخ ضعیف سازد، بنا برای یک نظام سیاسی قوی و غیر آسیبپذیر ما نیازمند یک قانون اساسی قوی و پایدار در کشور خویش میباشیم. ضرورت قانون اساسی برای افغانستان همچنین به دلیل نیاز به یک چارچوب قانونی برای حفظ امنیت و پایداری در کشور است. با توجه به تاریخ سابقه ناپایداری سیاسی و ناامنی در افغانستان، نیاز به قانون اساسی است که تدابیر لازم را برای جلوگیری از تجاوزهای خارجی، جنگهای داخلی و ناامنیهای داخلی بگیرد. قانون اساسی با ارزش ترین سند تضمین کننده حقوق و آزادیهای افراد است که از یک طرف باید تعیین کند که کدام نظام عهده دار اجرای حقوق مردم است و از سویی دیگر تعیین کند که دولت به عنوان نهاد اجرا کننده قانون، به چه طریقی ایجاد میشود تا از یک طرف کشور را اداره کند و از طرف دیگر به حقوق و آزادیهای مردم در جامعه کدام صدمه وارد نسازد. به عبارت واضح تر، قانون اساسی عهده دار تأمین دو موضوع است: یکی حقوق و آزادیهای اساسی افراد کشور و دیگری تعیین اساس و پایه های حکومت و دولت و نحوه اداره کشور.

اهمیت و ضرورت تحقیق

از نقطه نظر حقوق، انسان یک موجود دو بعدی است، که زندگی او در این دو بعد تنظیم میگردد و آن عبارتاز بعد فردی و بعد اجتماعی. در بعد فردی انسان، علایق، خواسته ها، اهداف و آرزوهای او تبارز پیدا میکند، اما در بعد اجتماعی روابط وی با دیگران ظهور میکند از قبیل ارتباط انسان با فامیل و اعضای فامیل، زندگی کاری، اقتصادی، سیاسی، تعلیمی، تحصیلی وغیره وی، هم در سطح داخلی و هم در سطح بین المللی. پس این همه امور در زیر سقف نهاد بزرگ تر به نام دولت رشد میکند. بنا دولت در حقیقت تجلی بعد اجتماعی فرد میباشد. اگر این نهاد کلان (دولت) وجود نداشته باشد بعد اجتماعی فرد به بن بست مواجه شده زندگی اجتماعی وی به صورت کلی فلج میگردد. خود دولت هم مشکلات خویش را دارد چون از یک طرف با گذر هر روز دولت و ساختار آن شکل مغلق و پیچیده ای به خود میگیرد و از طرف دیگر ماهیت دولت مقتضی این امر است که مطلقیت و استبداد را به خود اختیار مینماید. این استبداد در بعضی جوامع دست به اقداماتی میزند که در نتیجه آن حتمی به بعد فردی انسان هم صدمه وارد میشود که این صدمه منجر به تباهی انسان میگردد و تباهی انسان باعث تباهی دولت هم میشود. پس برای اینکه از یک طرف نه انسان صدمه ببیند و نه هم دولت بناء وجود قانونی در این عرصه حیاتی محسوب میگردد تا از یک طرف حقوق اساسی افراد را بیان کند و از طرف دیگر هم حدود، صلاحیت ها، اختیارات، وظایف، ساختار، همکاری ساختارهای دولتی در بین هم را به گونه واضح و روشن بیان کرده و عدالت را در بین فرد و دولت تأمین نماید. بناء این قانون، جز قانون اساسی دیگر هیچ قانونی بوده نمیتواند. از همین جا است که ما به اهمیت و ضرورت قانون اساسی در یک جامعه پی میبریم.

پیشینه تحقیق

- راجع به تعریف، تاریخچه، تقسیمات و موضوعات مورد بحث قانون اساسی مباحث، مقالات و کتاب های زیادی از طرف اساتید علم حقوق و سیاسیون به رشته تحریر درآمده است که از چندی آن به حیث مثال در ذیل ذکر می نمائیم:
1. حقوق اساسی افغانستان، سرور، دانش، ۱۳۹۴ هـ ش، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه ابن سینا، کابل، افغانستان.
 2. مولانا گوهر رحمان، سیاست اسلامی، ۱۳۹۴ هـ ش، چاپ اول، انتشارات مستقبل.
 3. حقوق اساسی عمومی، عبدالوحید، نیاز، ۱۳۹۳ هـ ش، چاپ اول، انتشارات لاجورد.
 4. پیمان مدینه و مقایسه آن با قوانین اساسی معاصر (رساله ماستری)، کبیر، آریائی، ۱۴۰۲ هـ ش، کابل، افغانستان.

اما در ارتباط به موضوع مورد بحث مقاله علمی حاضر تحت عنوان «ضرورت قانون اساسی برای اداره امور سالم کشور ها» یا هیچ بحثی در منابع متذکره و سایر منابع وجود ندارد و یاهم در لابلای موضوعات به گونه جزئی موجود می باشد. بناً بحث حاضر پیرامون یک سلسله مسایل نسبتاً جدید در شرایط فعلی افغانستان میچرخد که تا اندازه یک بحث جدید می باشد.

اهداف تحقیق

- در این تحقیق اهداف ذیل دنبال میشود:
1. نگاه کلی به شکل گیری قوانین اساسی در افغانستان.
 2. ضرورت جوامع انسانی به قانون اساسی.
 3. ارزش و جایگاه قانون اساسی در شریعت اسلامی.
 4. ترغیب زمامداران کشور به تدوین و وضع قانون اساسی و خروج ملت - دولت از سردرگمی نبود قانون اساسی در کشور.

سوال تحقیق

وجود قانون اساسی در یک کشور تا چه حد میتواند زمینه های بی ثباتی سیاسی را از بین ببرد؟

فرضیه های تحقیق

فرض بر این است که در عصر فعلی دولت ها برای برقراری ثبات سیاسی و تحقق حقوق اساسی شهروندان خویش نیاز اساسی به قانون اساسی دارند.

روش تحقیق

روش تحقیق به لحاظ نوع تحقیق، توصیفی - تحلیلی و به لحاظ روش شناسی تحقیق بر اساس نوع مطالب و یافته ها، روش کیفی است و روش جمع آوری مطالب و یافته ها کتابخانه ای و در موارد بسیار محدود انترنتی میباشد.

موانع تحقیق

در تحقیق حاضر به موانع ذیل مواجه گردیدم:

1. نبود منابع کافی فزیکتی از جمله کتاب ها و مقالات علمی
2. نبود کتاب خانه های الکترونیکی کافی

3. عدم استفاده از منابع در زبان های خارجی و نداشتن تسلط نگارنده در آن زبان ها.

سازماندهی تحقیق

در این مقاله موضوعات چون: تعریف قانون اساسی، سیر تاریخی قوانین اساسی، جایگاه قانون اساسی در شریعت اسلامی، نیاز و ضرورت افغانستان به قانون اساسی و غیره موضوعات به بحث گرفته شده در نهایت بحث با نتیجه گیری مختصر، پیشنهادات و منابع و مأخذ خاتمه پیدامیکند.

مبحث اول - تعریف قانون اساسی

قانون اساسی در زبان انگلیسی از واژه «*Constitution*» آمده است و معادل لاتین آن «*Constitutional*» است که ریشه فعلی آن «*To Constitute*» به معنی بنیاد نهادن، ایجاد کردن، و تأسیس کردن است.³

قانون اساسی مجموعه از قواعد قانونی است که نظام دولت، شکل حکومت، ارگان های عمومی و حدود صلاحیت این ارگانها را در حکومت تعیین مینماید. و همچنان حقوق و آزادی های باشندگان کشور را مشخص میسازد.⁴

در نتیجه گفته میتوانیم که قانون اساسی از یک طرف از ساختار و تشکیلات دولت بحث میکند و از طرف دیگر حقوق اساسی شهروندان را بیان میکند.

مبحث دوم - تاریخچه قانون اساسی

در این مبحث موضوعات در ضمن سه عنوان به بحث گرفته میشود که عبارت است از پیدایش مفهوم قانون اساسی در دنیا، اولین قانون اساسی مکتوب جهان (میثاق مدینه)، قانون اساسی در عصر حاضر و سیر تاریخی قانون اساسی در افغانستان.

مطلب اول - پیدایش مفهوم قانون اساسی در جهان

قانون اساسی به ساختار و شکل فعلی اش از قدامت زیادی در جهان برخوردار نمی باشد، اما در کل میتوان گفت که مفهوم قانون اساسی همزمان با خلقت انسان و ایجاد جامعه پا به عرصه وجود گذاشته است. یعنی از همان وقتی که زندگی اجتماعی در جهان شروع شده معنی قانون به ویژه معنی قانون اساسی برای انسان قابل درک بوده است، ولی با گذشت زمان و تحولات زندگی بشر معنی قانون به خصوص معنی قانون اساسی نیز تطور پیدا کرده است.⁵

قوانین اساسی امروزه به یکی از دو حالت عرفی و مکتوبی در دنیا وجود دارد، اگر قانون اساسی را به مفهوم مادی و عرفی آن مطمح نظر قرار دهیم، تاریخ و دامنه آن را در قوانین قوم (گات) در قرن پنجم میتوان جستجو کرد. برخی ها رد پای نخستین قوانین اساسی را در میان قوم ساکسون و عده یی دیگر در عصر آرتور پادشاه افسانه ای انگلیس، دنبال مینمایند. اگر این دیرینه شناسی را امتداد دهیم، به کتاب « قانون » افلاطون و یا « سیاست » ارسطو خواهیم رسید که در آن به مطالعه ۱۵۸ قانون اساسی موجود در گذشته و عصر خود پرداخته است. از جمله این قوانین میتوان به قانون اساسی سولون، اصلاح طلب مشهور اشاره نمود که برای شهر آتن فراهم کرده بود.⁶

³ خسروی، حسن، حقوق اساسی، ۱۳۹۵ هـ ش، چاپ نهم، انتشارات خرسندی، تهران، ایران، ص ۴۷.

⁴ ظریفی، شیرعلی، مبادی حقوق، ۱۳۹۴ هـ ش، چاپ سوم، انتشارات مستقبل، کابل، افغانستان، ص ۵۷.

⁵ نذیر، داد محمد، مبادی علم حقوق، ص ۱۴۰.

⁶ نیاز، عبدالواحد، حقوق اساسی عمومی، ۱۳۹۳ هـ ش، چاپ اول، انتشارات لاجورد، کابل، افغانستان، ص ۴۵.

برخی ها اولین قانون اساسی مدون که محتوای قانون اساسی امروزی را داشت قانون حمورابی پادشاه بابل (1792م - 1750م) را میدانند که در یک تخته سنگ با بلندی 2.8 متر حک شده بود.

قوانین اساسی در کل از ابتدای خلقت بشر در بعضی از جوامع متمدن بشری کماکان به گونه عرفی آن تا عصر پیامبر خدا جناب حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم وجود داشته است.

مطلب دوم - اولین قانون اساسی مکتوب جهان (میثاق مدینه)

بحث که در مطلب اول ذکر شد همه روی قوانین اساسی عرفی (غیر نوشتاری) میچرخید اینکه می پردازیم به اولین قانون اساسی بشر که به گونه علمی به شکل تحریری در سال اول هجری توسط رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) وضع گردید.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) به محض تشریف آوردن به مدینه، پیمان نامه ای را به نشر سپرد. حقوق دانان این پیمان نامه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) را که به محض رسیدن به مدینه و در وقت کوتاهی آماده گردید قانون اساسی رسول خدا میدانند.⁷ پس از مهاجرت مسلمانان به مدینه، گرچه در پرتو تمهیدات قبلی، انصار به یاری مهاجرین پرداختند و مسئله استقرار آنان حل و فصل شد، اما زندگی آرام تمام مسلمانان مدینه، اعم از مهاجر و انصار و نیز برقراری تعامل سیاسی و اجتماعی میان تمام اعضای جامعه مدینه؛ یعنی مسلمانان، مشرکان و یهودیان، نیازمند تدابیر جدی تر بود که سر انجام به انعقاد یک پیمان سیاسی، نظامی و حتی اجتماعی انجامید و گویا قانون اساسی خاصی را نیز متولد کرد که آن را میتوان نخستین قانون اساسی مدون جهان از حیث محتوا قلمداد کرد.⁸

کنستان ویرژیل گئورگیو، مولف کتاب تحت عنوان « محمد پیغمبری که از نو باید شناخت » در باره میثاق مدینه یا اولین قانون اساسی مکتوب دنیا می نویسد: پس از آنکه مسجد مدینه ساخته شد و مسلمین، همسران خود را از مکه به مدینه آوردند محمد صلی الله علیه وسلم برای شهر مدینه که شهری بود مستقل، یک قانون اساسی نویسانید (وضع کرد). این قانون اساسی که دارای پنجاه و دو اصل می باشد از طرف خود محمد صلی الله علیه وسلم تدوین شده یعنی مثل آیات قرآن، وحی نیست. بیست و پنج اصل از این پنجاه دو اصل مربوط مسلمین، و بیست و هفت اصل دیگر آن مربوط است به پیروان مذاهب (ادیان) دیگر اعم از یهودیها یا بت پرستان.⁹

دکتر مصطفی سباعی (رح) که از اندیشمندان بزرگ جهان اسلام عصر خود بود در سیرت خویش تحت عنوان « سیرت نبوی درس ها و اندرز ها » در باره اولین قانون اساسی دنیا چنین مینگارد: بعد از مسئله عقد مواخات، فرستاده خدا صلی الله علیه وسلم پیمانی را که به نام میثاق مدینه (منشور مدینه که آن را نخستین قانون اساسی مدون جهان میدانند و دارای چهل و هفت اصل یا ماده میباشد.) مشهور است، میان مهاجرین و انصار نوشت که در آن منشور، با یهود از نرمی کار گرفت و بر حفظ دین و دارایی شان تعهد به عمل آورد.¹⁰

⁷ گولن، محمد فتح الله، نور جاویدان، مترجم: فیض محمد عثمانی، ۱۳۸۸ هـ ش، چاپ اول، جلد دوم، انتشارات باران، کابل، افغانستان، ص ۲۹.

⁸ آریائی، کبیر، پیمان مدینه و مقایسه آن با قوانین اساسی معاصر (رساله ماستری)، ۱۴۰۳ هـ ش، کابل، افغانستان، ص ۳۲.

⁹ ویرژیل گئورگیو، کنستان، محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، مترجم: ذبیح الله منصوری، ۱۳۸۸ هـ ش، چاپ هفتم، انتشارات زرین، تهران، ایران، ص ۲۰۴.

¹⁰ سباعی، مصطفی، سیرت نبوی (درس ها و اندرز ها)، مترجم: فضل الرحمن فاضل، ۱۳۹۵ هـ ش، چاپ چهاردهم، بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان، ص ۶۳.

اصول میثاق مدینه در کتاب های سیرت متفاوت ذکر گردیده اما کدام متن را که ابن هشام در سیره خویش ذکر کرده و دکتر محمد طاهر القادری آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده از آن ۶۳ اصل (ماده) را مشتق ساخته که در این جا صرف به ذکر چند اصل مهم از این اصول میپردازیم:

1. این نوشته و پیمان نامه ای است از محمد پیامبر (فرستاده خدا) صلی الله علیه وسلم.
2. تا در میان مؤمنان و مسلمانان قبیله قریش و مردم یثربو کسانی که پیرو مسلمانان شوند و به آنان پیوندند و با ایشان در راه خدا جهاد کنند.
3. آنان در برابر دیگری مردمان یک امت اند.
4. مهاجران قریش، همانند قبل از اسلام، خون بها میپردازند و با رعایت نیکی و دادگری در میان مؤمنان، اسیر خود را رها میسازند.
5. هر گروهی به مانند مؤمنان، با نیکی و عدالت اسیر خود را آزاد میسازد.
6. پیروان اسلام نباید مسلمانی را در پرداخت دیت یا فدیة سنگین تنها گذارند.
7. همه مؤمنان متقی باید در برابر هر مسلمانی که ستم کند یا از راه ظلم چیزی از ایشان بخواهد و یا قصد دشمنی میان مؤمنان را داشته باشد، باهم دیگر باید همکاری کنند، حتی ظالم پسر یکی از آنان باشد.
8. پناه خدا برای همگان یکسان است و فرودست ترین مسلمانان، کافران را پناه داده میتواند.
9. هر کس از یهود، از ما پیروی کند، بی هیچ ستم و تبعیض از یاری و برابری برخوردار خواهد بود.
10. جنگجویان هر قبیله که با ما یکجا میجنگند باید به نوبت بجنگند.
11. مؤمنان مسلمانی را که دیگر مسلمان را کشته است، در راه خدا قصاص میکند.
12. هرگاه از روی دلیل ثابت گردد که کسی مؤمنی را به ناحق کشته، باید او را به قصاص کشت، مگر آنکه صاحب حق به گرفتن دیت راضی شود و باید همه مؤمنان بر ضد قاتل باشند.
13. هرگاه شما مسلمانان در امری دچار اختلاف شدید، آن را به خدا وند تعالی جل جلاله و محمد صلی الله علیه وسلم باز گردانید.
14. یهود بنی عوف با مسلمانان امت واحد محسوب میگردند، دین یهود از آن ایشان و دین مسلمانان از آن ایشان است؛ مگر کسی که با پیمان شکنی ظلم کند و راه گناه را در پیش گیرد، چنین شخص هم خود و هم خانواده خویش دیگر کسی را تباه نساخته است.
15. تا مادام که مسلمانان مصروف جنگ اند، یهودیان نیز باید مصارف جنگ را بپردازند.
16. داخل مدینه برای پذیرندگان این پیمان نامه، حرم است.
17. هرگاه در بین متعهدان این پیمان قتل، یا کدام حادثه خطر ناک دیگر رخ دهد که بیم تباهی از آن متصور باشد، مرجع رسیدگی خدا و پیامبرش صلی الله علیه وسلم میباشد.

18. اگر یهودیان به صلحی دعوت شدند تا در آن همکاری کنند و آن صلح را عملی سازند میتوانند به این کار اقدام کنند؛ در آن صورت مؤمنان نیز باید آن صلح را بپذیرند¹¹.
- در کل میتوان از میثاق مدینه نتایج ذیل را به دست آورد:
1. تعیین چارچوب ساختار دولت اسلامی.
 2. تأکید بر برادری ناشی از ایمان، ایجاد روحیه همکاری و تأکید به همدیگر پذیری.
 3. آماده سازی یک ملت در مقابل هر نوع حوادث احتمالی در حال و آینده.
 4. پایان دادن به جنگ ها و خون ریزی های موجود در بین قبایل مدینه.
 5. مشخص شدن حقوق، وظایف و مکلفیت های مسلمانان، یهودیان و بت پرستان در قبال همدیگر به حیث امت واحد.
 6. بحث روی تأمین امنیت، امنیت زنان، روابط بین قبایل مختلف.
 7. آزادی های دینی در بین ادیان موجود آن روز در مدینه.
 8. تعیین چارچوب قضائی برای رسیدگی به مشکلات بوجود آمده.
 9. تعیین چارچوب نظام جزائی در آن.
- قابل ذکر است که قوانین اساسی امروزه کشور های دنیا اساسا اصول میثاق مدینه رادر بطن خود جا داده است که میتوان این اصول را به قانون اساسی دولت عثمانی، قانون اساسی امریکا، قانون اساسی فرانسه، قانون اساسی ایران و قوانین اساسی ادوار قبلی افغانستان سراغ نمود. البته بحث در این موضوع یک تحقیق دیگر میخواهد.
- مطلب سوم - قانون اساسی در عصر حاضر**
- در عصر حاضر در سطح دنیا کمتر کشوری پیدا میشود که از قانون اساسی برخوردار نباشد. بنا اکثریت کشور های دنیا امروزی از قوانین اساسی مدون استفاده کرده چارچوب نظام سیاسی و حقوق اساسی اتباع خویش را بر اساس همین وثیقه ملی تنظیم مینمایند.
- مطلب چهارم - سیر تاریخی قانون اساسی در افغانستان**
- افغانستان در طول صد سال پسین حیات سیاسی خویش داشتن چندین قانون اساسی را تجربه نموده که در ذیل به طور مختصر از هر کدام آن تذکر به عمل میآوریم: اولین قانون اساسی در زمان امیر امان الله خان در سال ۱۳۰۱ هـ ش، دومین قانون اساسی در زمان نادر خان در سال ۱۳۰۹ هـ ش، سومین قانون اساسی در زمان ظاهر شاه در سال ۱۳۴۳ هـ ش، چهارمین قانون اساسی در زمان محمد داود خان در سال ۱۳۵۴ هـ ش، پنجمین قانون اساسی در زمان ببرک کارمل در سال ۱۳۵۹ هـ ش، ششمین قانون اساسی در زمان داکتر نجیب الله در سال ۱۳۶۶ هـ ش، هفتمین قانون اساسی افغانستان در دوران استاد برهان الدین ربانی که به تصویب نرسید، هشتمین قانون اساسی در زمان حکومت انتقالی حامد کرزی در سال ۱۳۸۲ هـ ش.

¹¹ آریائی، کبیر، پیمان نامه مدینه و مقایسه آن با قوانین اساسی وضعی (رساله ماستری)، صص ۵۶ - ۹۲.

مبحث سوم - جایگاه قانون اساسی در اسلام

قوانین در کل و بالاخص قانون اساسی در کشور های اسلامی مبتنی بر وحی بوده و به جز خدای متعال هیچ کس حق قانونگذاری و جعل احکام را ندارد. پس هر حکم و قانونی که از سوی خداوند متعال نباشد، از نظر مسلمانان ارزش و اعتباری نخواهد داشت، زیرا این قاعده که میگوید: « لا حکم الا لله » قاعده کلی و مسلمی است که همه مسلمانان به آن ایمان و باور دارند¹². از تمام آیات که در این زمینه وجود دارد این موضوع کاملاً واضح و روشن میگردد که صلاحیت حکم کردن و فیصله و قضاوت کردن و صلاحیت ساختن قانون و وضع نمودن قانون فقط و فقط از آن الله جل جلاله بوده و در اختیار اوست¹³.

تمام مباحث روی این محور میچرخد که در اسلام هیچ قانون در تکر، مخالفت و ضدیت با احکام، ارزش ها و مصالح اسلامی وضع شده نمیتواند قسمیکه مولانا گوهر رحمن در کتاب اسلام و سیاست چنین بیان میکند: « قانونی که بر خلاف قانون و شریعت الله جل جلاله باشد حتماً خواست و تقاضای نفس در آن گنجانیده شده و بر خواست های نفسانی استوار است¹⁴ ».

خداوند متعال عالم مطلق است و به همه امور و نیاز های عالم ظاهری و غیبی بندگان خویش آگاه است، در قانون گذاری خود احکام شامل و کامل فرستاده است که از نقص و کمبود عاری بوده، کلی و مطلق و دارای نرمش و سازش با مقتضیات زمان و مکان میباشد¹⁵.

دین مقدس اسلام ساحات زیادی دارد که آیا قوانین مطابق ضرورت زمانی و مکانی در همه آن ساحات وضع شده میتواند یا خیر یک بحث کلان فقهی میباشد اما علما در عرصه مباحثات قانون گذاری را یک ضرورت دانسته اند از جمله امام غزالی (رح) میفرماید: به این هیچ شخص عاقل شک ندارد که مردم دارای طبقات مختلف بوده، خواهشات و نظریات شان مختلف و متعارض میباشد، پس اگر ایشان به حالت خویش گذاشته شوند و اگر یک نظر و رایج وجود نداشته باشد که همه از آن اطاعت نمایند و این نظر و رای تمام اختلافات و تضاد های آن ها را جمع ننماید پس این مردم تباه میشوند¹⁶. این قوانین است که امروزه همه سلیقه ها و خواهشات مختلف و متفاوت افراد به گونه الزامی در خود جاداده و افراد را مکلف به اطاعت از آن میسازد. این را نباید فراموش نمود که کدام قانون که برای تقنین امورمباح ساخته میشود باید دارای شرایط ذیل باشد: ۱ - قانونگذاری در امور مباح دائمی و مطلق نمیباشد. ۲ - این قانونگذاری باید مقاصد شریعت اسلامی را متحقق بسازد. ۳ - قانونگذاری در امور مباح باید از طرف دانشمندان و افراد دارای اهلیت انجام شود. ۴ - قانونگذاری امور مباح برای مصالح عمومی بوده باشد¹⁷.

در دین مقدس اسلام همه مسایل به یک حالات کلی و جزئی اشاره گردیده است بنا ما در جستجوی جایگاه و ارزش قانون اساسی در اسلام میباشیم، قسمیکه ما قبلاً هم بیان کردیم که اولین قانون مکتوب جهان میثاق مدینه میباشد

¹² نذیر، دادمحمد، مبادی علم حقوق، ۱۳۹۵ هـ ش، چاپ هفتم، انتشارات حامد رسالت، کابل، افغانستان، ص ۱۱۸.

¹³ مولانا گوهر رحمان، سیاست اسلامی، ۱۳۹۴ هـ ش، چاپ اول، انتشارات مستقبل، کابل افغانستان، ص ۱۹۶.

¹⁴ همان، ص ۲۰۱.

¹⁵ نذیر، داد محمد، مبادی علم حقوق، ص ۱۱۸.

¹⁶ عبدالباقی، مصباح الله، اسلامی فقه د قانون مصدر که د قانون بدیل؟، مجله علمی پوهنتون سلام، سال هفتم، شماره ۱۲، خزان ۱۴۰۱ هـ ش، ص ۲۶.

¹⁷ همان، ص ۲۹ - ۳۳.

که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم آن را وضع کرد، بنأ روح اسلام با قوانین و بخصوص قانون اساسی در تکر نمیباشد که البته مشروط به شروط می باشد این قانون گذاری در اسلام که در متون بعدی به آن خواهیم پرداخت.

خداوند تبارک و تعالی میفرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ۚ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ ۚ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ¹⁸.

ترجمه: البته ما پیغمبران خود را با دلایل واضح فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو را نیز نازل کردیم تا مردم در میان خود عدالت را قایم کنند. و آهن را که در آن نیرو سخت و منافع برای مردم است نازل کردیم، تا الله بداند چه کسی او و پیغمبرانش را نادیده یاری میکند، زیرا الله قوی و غالب است.

بر مبنای این آیه مبارکه میتوان ادعا کرد که الله متعال در بعثت پیامبران خود سه قوه فعلی دولت را که ما به نام و وظایفشان آشنائی داریم اشاره نموده است که قرار ذیل میباشد:

1. کتاب به حیث نماد و سمبول قانون (قوه مقننه).

2. میزان به حیث نماد و سمبول قضاء و عدالت (قوه قضائیه).

3. حدید به حیث نماد قدرت و حکومت (قوه اجرائیه).

بنا موضوع قانون و پروسه قانون گذاری در اسلام یک امر مهم و حیاتی برای جامعه اسلامی محسوب میگردد. مشخصاً قرآن و سنت به حیث دو منبع اصلی حقوق اسلامی، به جزئیات این قبیل مسایل و موضوعات نپرداخته است. زیرا پرداختن به جزئیات وظیفه یک مکتب نیست و شرایط زمان و مکان و مقتضیات هر عصری ایجاب میکند که در هر دوره ای، روش مناسب همان دوره به اجرا گذاشته شود. اما در عین حال در اسلام، یک سلسله اصول کلی به عنوان چارچوب اصلی قانون گذاری و حاکمیت و تصدی قدرت بیان شده که میتوان از طریق آن خط مش عملی اسلام را هم ترسیم کرد¹⁹. اسلام این اختیار را به فقها و علمای امت خود نظر به مقتضیات زمانی و مکانی داده تا در روشنی اصول شریعت قانون گذاری کند، اگر این قوانین و قانون گذاری در تکر با مصالح اسلامی یا در تکر با روح شریعت و نصوص شریعت قرار داشته باشد در این صورت هیچ قانونی در شریعت مدار اعتبار نمیباشد.

از جمله اصول کلی در حقوق اساسی اسلام، به چند مورد آن که به موضوع بحث ما ارتباط دارد اشاره میکنیم:

1. در اسلام حاکمیت اصلی از آن خداوند است و او منشأ همه حاکمیت ها و قدرت ها است و هیچ کس دیگری جز

در چارچوبی که خداوند تعیین فرموده حق حاکمیت و قانونگذاری را ندارد.

2. بشر حق قانونگذاری ندارد، مگر در قلمرو موضوعاتی که خداوند در باره آن حکم خاصی معین نکرده و تعیین

تکلیف را به خود مکلف واگذار کرده است. در این مورد شورای قانون گذاری میتواند با اصول کلی شریعت و بر اساس مصالح عمومی جامعه، قانون وضع کند.

3. اسلام در باره انسان دید خاصی دارد و وی را خلیفه و جانشین خداوند در زمین معرفی میکند، این خلافت

مخصوص فرد یا طبقه یا گروه و حزب خاصی نیست، بلکه همه بشریت، خلیفه خدا در زمین هستند.

¹⁸ القرآن الکریم، السورة الحدید، آیت ۲۵.

¹⁹ دانش، سرور، حقوق اساسی افغانستان، ص ۸۳.

4. اسلام در تنظیم امور سیاسی جامعه اصل فیصله امور به اساس شورا را مطرح میکند.

5. اسلام رژیم های مستبد و سلطنتی را مردود میداند.²⁰

دکتور فتحی یکن (رح) در اثر گران بهای خود تحت عنوان « مسلمان بودن از ما چه میخواهد؟ » در بحث ارکان عقیده چنین یاد آوری میکند: باور کامل داشته باشد که قانونگذاری و تشریع صرفا حق خداست و هیچ کس دیگر برای زندگی انسانها قانون وضع کرده نمیتواند. اما اهل علم و تخصص با دارا بودن شرائط (اجتهاد) در محدوده شریعت و قوانین کلی اسلام اجازه دارند به بیان احکام و مقررات دینی بپردازند.²¹

سید قطب (رح) اصل شورا را یکی از پایه ها و اصول مهم حکومت اسلامی دانسته و معتقد است که فرم اعمال شورا یک قالب آهنین نداشته و به شرایط و مقتضیات زمان بستگی دارد.

علامه امام مودودی (رح) در کتاب خود تحت عنوان « خلافت و ملوکیت » چنین میفرماید: انسان جانشین و خلیفه خدا در روی زمین است... هر ملتی که در گوشه ای از زمین اقتدار حاصل میکند در حقیقت خلیفه خدا در آن سرزمین است. این گونه خلافت درست و صحیح، از آن فرد، خانواده، و طبقه خاصی نیست بلکه از آن اتباع مسلمین است که اصول و قواعد مذکور را به رسمیت شناخته و بر اساس آن حکومت خود را تشکیل دهند.²²

امام مودودی (رح) در بحث تحت عنوان قانون اساسیدر باره امام ابوحنیفه (رح) میفرماید: امام ابوحنیفه راه جداگانه یی را اتخاذ کرد و آن این بود که بدون احتیاج به حکومت، مجلس غیر دولتی را برای وضع قانون تأسیس نمود.²³

از مباحث بالا به این نتیجه میرسیم که شورا اصل اساسی و حیاتی دولت اسلامی را تشکیل میدهد و این شورا در هنگام ضرورت مطابق نیازمندی های نظام اسلامی قانون اساسی را که محتوای آن در تکر با اصول شریعت اسلامی نباشد وضع نماید.

مبحث چهارم - ضرورت قانون اساسی برای اداره امور سالم کشور

نقش قانون اساسی در جوامع به تعبیری شبیه نقش مغز نسبت به وجود است، همانگونه که وظیفه کنترل فعالیت های اعضای بدن و احساسات آدمی از جمله وظایف مغز است، قانون نیز وظیفه تنظیم روابط و تعیین حدود باید ها و نباید ها یا بعبارت دیگر مباحثات و محرمات را بعهدہ دارد.

نیاز به قانون و به خصوص قانون اساسی با بوجود آمدن نخستین جوامع انسانی بروز نمود و میتوان با اطمینان گفت که انسان در هیچ دوره ای از حیات خویش بروی این سیاره خاکی، بی نیاز از وجود قانون نبوده است، حتی در جوامع بسیار ابتدائی نیز حاکمیت یک قانون هرچند ساده ضرورتی اولی و اساسی است، زیرا در صورت عدم وجود قانون و دستوری، مجتمع شدن انسان ها ناممکن و نا میسر میباشد.²⁴

از این که قوانین به خصوص قانون اساسی ساخته دست بشر بوده که هرگز جای قوانین الهی را گرفته نمیتواند. بنا این قوانین دارای یک سلسله مشکلات میباشد که مشکلات به نداشتن قانون اساسی یا عدم پذیرش آن در یک جامعه

²⁰ دانش، سرور، حقوق اساسی افغانستان، ص ۸۴.

²¹ یکن، فتحی، مسلمان بودن از ما چه میخواهد؟، مترجم: عبدالقدیر صالحی، ۱۳۹۹ هـ ش، چاپ دوم، انتشارات اصلاح افکار، کابل، افغانستان، ص ۷.

²² مودودی، ابوالاعلی، خلافت و ملوکیت، ۱۳۸۵ هـ ش، بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان، صص ۲۳ - ۲۸.

²³ همان اثر، ص ۲۱۴.

²⁴ مجموعه از نویسندگان، نمونه از قانون اساسی اسلام، مترجم الحاج احمد سیر مهجور، ۱۳۱۹ هـ ش، چاپ اول، انتشارات مؤسسه جهاد، پاکستان، ص ۶.

سیاسی دلالت کرده نمیتواند. در عصر فعلی به استثنای کشورهای انگشت شمار مثل افغانستان دیگر همه کشورهای جهان دارای این وثیقه ملی میباشد. پس لازم به ذکر دلایلی میبینیم که به اساس آن ضرورت یک اداره سالم را به قانون اساسی بیان میدارد:

۱ - اولین قانون مکتوب جهان: اولین دولت اسلامی در تاریخ ظهور خویش؛ برای تأمین امنیت، تحقق حقوق اتباع، مبارزه با جرایم، مبارزه با دشمنان بیرونی، ایجاد فضای اخوت در بین مسلمانان در مدینه منوره؛ قانون اساسی را وضع کرد که به نام میثاق مدینه یاد میشود که بهترین اثر و نتایج را در قبال داشت. پس این یک اصل اساسی در امر دولت داری است که اسلام آن را اساس گذاشته و این اصل همه ادوار و همه جوامع اسلامی را در بر میگیرد نه یک مقطع خاص زمانی را. میثاق مدینه امروزه نه تنها اساس و مبناء قوانین اساسی در جوامع اسلامی بلکه در جوامع غیر اساسی نیز محسوب گردیده است از جمله اصول چون: مساوات، برابری، عدم تبعیض در برابر اتباع داخلی و داشتن اتحاد و یک پارچه گی در برابر دشمنان بیرونی قوانین اساسی امروزی برگرفته شده از میثاق مدینه میباشد.

۲ - مرجعیت اساسی: مهم ترین مرجعیت اساسی در یک کشور قانون اساسی آن کشور میباشد که مشکلات کشوری را در سطح بالای آن حل و فصل میکند. کسانی که معتقد به این امر هستند زمان که شریعت اسلامی در یک کشور وجود داشته باشد پس چه نیاز به قانون اساسی است؟ در جواب چنین افراد باید گفت که قوانین اساسی در کشورهای اسلامی هرگز در تکرار (تعارض) با شریعت اسلامی نبوده بلکه این قوانین اساسی خود تطبیق کننده شریعت در حوزه کاری خویش میباشد، اصولی که در قوانین اساسی کشورهای اسلامی مطرح می شود، فرصت های بیشتری را برای تطبیق احکام دین فراهم می کند.

وقتی این اصول را در قوانین اساسی مطالعه می کنیم، میبینیم که هیچ مغایرتی با احکام شریعت اسلامی ندارد، بلکه برای تطبیق احکام اسلامی این اصول خود یک راه بسیار اساسی میباشد. ضرورت قانون اساسی در جامعه اسلامی به نفع اسلام است زیرا با قانون اساسی در امور بزرگ سیاسی یک کشور مردم راه خود را پیدا می کنند، زیرا تمام مردم نمی توانند فقه را بدانند و تمام مردم نمی توانند احکام دین را مطالعه کنند و از این احکام برداشت واحد کنند، مطالعه و برداشت از امور فروعی دین کار هر کس هم نمیشود. پس بهترین کار این است که تمام نظریات و بحث های فقهی در یک چارچوب واحد فقهی و حقوقی که همانا قانون اساسی است جمع آورده گردد تا همه ملت از آن به گونه یکسان مستفید شوند.

۳ - عام بودن مخاطب: مخاطبین قانون اساسی همه افراد، اقشار، گروه ها و احزاب ساکن یک کشور میباشد. پس با این وجود همه مردم و اقشار جامعه خود را در یک نظام اسلامی با دیگران یکسان احساس نموده برای ترقی و انکشاف کشور خویش بدون حس تعصب و زیرپا شدن حقوق خویش کار میکنند، در صورت که یک کشور اصول از قبل تعیین شده خویش را بر مبناء یک وثیقه نوشتاری مثل قانون اساسی نداشته باشد در این حالت امکان هر نوع سلیقه گری ها وجود میداشته باشد که این امر حس انگیزه در کار و ابتکار را در بین مردم از بین میبرد. پس این قانون اساسی است که تعیین و مشخص میسازد که همه افراد در قبال دولت از حقوق یکسان برخوردار میباشد و دولت هم با همه افراد بدون در نظر داشت قوم، سمت، زبان، نژاد و غیره خدمات عرضه میکند. قانون اساسی مدینه هم حقوق تمام افراد و گروه های موجود را یکسان در نظر گرفته بود.

۴ - قانون اساسی وسیله دولت و ملت شدن: با موجودیت قانون اساسی در یک کشور مفهوم دولت و ملت به صورت فعال تر و تعاملی تر با یکی دیگر رابطه برقرار میکنند. مفهوم ملت دولت در میکانیسم های مشارکت عمومی در فرایندهای تصمیم گیری، تضمین حقوق شهروندی، تقویت نظام حاکم، تقویت سازوکارهای نظامی، تعیین مرزهای قدرت و مسئولیت دولت، و سایر ارکان قدرت نقش سازنده و مؤثرتری را ایفاء میکند²⁵. تازمان که در یک کشور قانون اساسی وجود نداشته باشد و طبق آن از یک سو اختیارات، صلاحیت های دولت و ارگان های دولت و از طرف دیگر حقوق اتباع در آن تسجیل نیافته باشد موضوع دولت و ملت شدن کمرنگ شده دولت ها راه استبداد را و ملت ها هم راه نافرمانی و عدم اطاعت از اوامر دولت را در پیش خواهند گرفت.

۵ - قانون اساسی وسیله آشتی قدرت حاکم و آزادی محکوم: قانون اساسی یک کشور نقش مهمی در تعادل بین قدرت حاکم و آزادی شهروندان دارد. قانون اساسی به عنوان وسیله ای برای حفظ تعادل بین قدرت های مختلف حاکم و تضمین آزادی های شهروندان به کار می رود. در اینجا، چندین مفهوم وجود دارد که می تواند در ارتباط با این عنوان قرار بگیرند.

الف - تعادل بین قدرت حاکم و آزادی محدود شده توسط قانون اساسی: در این حالت، قانون اساسی به عنوان یک سند اساسی و مقررات حاکم بر یک کشور، وظیفه حفظ تعادل بین قدرت های مختلف حاکم و آزادی های شهروندان را دارد. این تعادل ممکن است شامل تعیین محدودیت های قدرت دولت، تضمین حقوق شهروندی، و ایجاد سیستمی از چک و تراز (صورت حساب) بین نهادهای مختلف حاکمیت باشد.

ب - حفظ آشتی و تعادل اجتماعی: قانون اساسی می تواند نقشی در حفظ آشتی و تعادل اجتماعی با ایجاد یک چارچوب قانونی و سیاسی برای حل اختلافات و تضمین حقوق اقلیت ها و گروه های مختلف دارد. این امر می تواند به حفظ آرامش و استحکام حکومت کمک کند.

ج - تضمین حقوق شهروندی و آزادی های اساسی: قانون اساسی می تواند حقوق شهروندی اساسی و آزادی های فردی را تضمین کند و محدودیت های لازم بر روی قدرت حاکم را اعمال کند تا حقوق اساسی شهروندان محفوظ بماند²⁶.

قانون اساسی وسیله آشتی قدرت نامحدود حاکم یعنی مهار قدرت نظام موجود از استبداد، دیکتاتوری و هرج و مرج در کشور و همچنان آزادی محکوم یعنی شهروندی که در کشور زندگی دارد، که در اثر آن حقوق و وجایب متعددی به میان می آید. بناء چنانچه کشور دارای یک سلسله حقوقی است که برای جمیع شهروندان که وجیبه تلقی میشود، به همین ترتیب حقوقی برای او هم بر بالای وطن، دولت، جامعه و مردم اش است که باید برایش قائل باشند، که از آن به حقوق اساسی اتباع یا آزادی های عمومی شهروندان نیز تعبیر میشود²⁷. پس اگر در کشوری قانون اساسی حاکم نباشد ولو که حکومت کنندگان افراد صالح هم باشند به مرور زمان این حکومت کنندگان دست به استبداد و دیکتاتوری خواهند زد و از طرف دیگر افراد و شهروندان کشور از حقوق اساسی شان محروم ساخته خواهند شد.

۶ - تحقق عدالت: قانون اساسی یک کشور به حیث تحقق کننده ترین عامل عدالت یک نیاز اساسی مطرح بوده که این قانون باید بتواند اساسی ترین اصول و ارزش های جامعه را با تأکید بر تحقق عدالت در نظر بگیرد و بر آنها تأکید کند. در

²⁵ گوگل و سایت های دیگر اینترنتی.

²⁶ سایت های اینترنتی گوگل.

²⁷ آریائی، کبیر، پیمان مدینه و مقایسته آن با قوانین اساسی معاصر، ص ۱۳۲.

این راستا، به معلومات مرتبط ذیلاً میپردازیم:

الف - تضمین حقوق مساوی: قانون اساسی باید حقوق مساوی برای همه شهروندان را تأیید و تضمین کند، بدون تبعیض بر اساس نژاد، جنسیت، مذهب و سایر ویژگی‌های شخصی.

ب - فراهم کردن دسترسی برابر به عدالت: قانون اساسی باید تضمین کند که همه شهروندان به عدالت برابری دسترسی داشته باشند، به طوری که حتی ضعیف‌ترین افراد جامعه نیز بتوانند حقوق خود را دفاع کنند و به حقوقشان دست یابند.

ج - تأمین حقوق اقتصادی و اجتماعی: قانون اساسی باید به تأمین حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان توجه کند و اقداماتی را برای مقابله با فقر، بیکاری، و نابرابری‌های اجتماعی اتخاذ کند.

د - تأیید اصل عدم تجاوز به حقوق انسانی: قانون اساسی باید اصل عدم تجاوز به حقوق انسانی را تأیید کند و همچنین مکانیسم‌هایی را برای حفاظت از حقوق انسانی شهروندان در برابر سوءاستفاده‌ها و سوءاستفاده از قدرت فراهم کند.²⁸

عدالت و عدالت خواهی جوهری است که زندگی بشر با آن مفهوم پیدا میکند، کانت فیلسوف معروف آلمانی در این باره میگوید هرگاه عدالت و صداقت از بین برود حیات انسانی دیگر ارزشی در این جهان نخواهد داشت.²⁹ بعد از شریعت اسلامی، در محدوده شریعت اسلامی این قانون اساسی است که عدالت را در کل در بین حکومت کنندگان و حکومت شوندگان به گونه بهتر و خوب تر تحقق میبخشد، اگر در کشوری قانون اساسی وجود نداشته باشد بعید است که عدالت به معنی واقعی آن تحقق پیدا کند.

۷ - رعایت مصالح عامه: یکی دیگر از ضرورت‌های مهم وضع قانون اساسی رعایت مصالح عامه یک کشور توسط آن میباشد. رعایت مصالح عامه به معنای تأمین و حفظ رفاه و منافع جامعه به طور کلی است و ممکن است در قانون اساسی به شیوه‌های مختلفی مورد بررسی و تأکید قرار گیرد که در ذیل به ذکر بعضی از موارد مرتبط میپردازیم:

الف - تعریف مصالح عامه: قانون اساسی می‌تواند مصلحت عامه را به طور دقیق تعریف کند و نقش و اهمیت آن را در جامعه مورد بررسی قرار دهد. این تعریف ممکن است شامل حفظ امنیت، حقوق انسانی، توسعه اقتصادی، حمایت از ارزش‌های دین، حمایت از ارزش‌های ملی، حمایت از زندگی مشترک و سایر موضوعات باشد.

ب - تضمین و حفاظت از حقوق مصالح عامه: قانون اساسی باید مکانیزم‌ها و اصولی را برای حفاظت از مصالح عامه در برابر سوءاستفاده‌ها و تجاوزها فراهم کند. این شامل تعیین محدودیت‌ها برای قدرت دولت و دیگر نهادهای حاکمیت، تعیین مسئولیت‌های دولت در حفظ مصالح عامه و ارائه خدمات عمومی و ایجاد مکانیزم‌هایی برای نظارت مردمی بر دولت است.

ج - مصلحت عامه در فرآیندهای تصمیم‌گیری: قانون اساسی ممکن است مقرراتی را برای لزوم در نظر گرفتن مصلحت عامه در فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی و اجتماعی فراهم کند، مثلاً با ایجاد مکانیزم‌هایی برای مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های مهم.

د - تعیین مسئولیت‌های مصالح عامه: قانون اساسی ممکن است مسئولیت‌های خاصی را برای حفظ و توسعه مصالح عامه به دولت و نهادهای دیگر تعیین کند.

²⁸ سایت‌های اینترنتی گوگل.

²⁹ دانش، حفیظ الله، جزاشناسی، ۱۳۹۷ هـ ش، چاپ هشتم، انتشارات مستقبل، کابل، افغانستان، ص ۱۸.

مصالح عامه در تمام ابعاد ممکنه آن به اساس اصول و دساتیر قانون اساسی در یک جامعه تحقق پیدا نموده میتواند. اگر در یک کشور قانون اساسی وجود نداشته باشد ممکن مصالح عامه از هر جهت متضرر گردد.

۸ - عدم تمرکز قدرت: یکی دیگر از ضرورت های که امروزه برای اداره امور سالم یک کشور احساس میشود عدم تمرکز قدرت توسط قانون اساسی میباشد، قانون اساسی تأکید بر توزیع قدرت و جلوگیری از تمرکز آن در دست یک نهاد یا فرد واحد میکند که در ذیل به بعضی موارد مرتبط بحث میپردازیم:

الف - تقسیم وظایف و اختیارات قوای دولت: قانون اساسی به حیث یک سند حقوقی و اداری وظایف و اختیارات را بین قوای متشکله دولت، نهادها و ارگان های مختلف نظام حاکم تقسیم میکند به طوری که هیچ یک از آنها بیش از حد، نیاز به قدرت نداشته باشد.

ب - تعیین مرزهای قدرت در بین قوای متشکله دولت: قانون اساسی مرزهای دقیقی را برای قدرت هرقوا، نهاد و ارگان های دولت مشخص میکند تا جلوی تجاوز به حقوق و اختیارات دیگر نهادها گرفته شود.

ج - تعیین مکانیزم های تعادل و توازن قدرت: قانون اساسی مکانیزم هایی را برای ایجاد تعادل و توازن بین قوای متشکله دولت، نهادها و ارگان های مختلف دولت فراهم میکند.

د - تضمین استقلال قوای متشکله دولت: قانون اساسی استقلال هر یکی از قوای متشکله دولت و سایر نهاد های دولتی را تضمین و از هر گونه تلاش برای کنترل و محدود کردن آن جلوگیری میکند.³⁰

به طور کلی از یک طرف یک قانون اساسی موثر باید بتواند توزیع قدرت را در جامعه به نحوی تنظیم کند که هیچ یک از نهادها و ارگان های دولت از دیگران بیش از حد، نقشها و اختیارات خود را اجرا نکند و از طرف دیگر قانون اساسی از تمرکز قدرت در محوریت شخص واحد یا یک گروه واحد سیاسی تا اندازه جلوگیری به عمل میآورد. میثاق مدینه نیز در اصول متعدد خویش به مکلفیت های هر قبیله به طور جداگانه اشاره نموده است که این امر، در امر حکومت داری دلالت بر عدم تمرکز حکومت دارد.³¹

۹ - نیاز یک نظام نوپا به قانون اساسی: معمولاً دولت ها و حکومت های که تازه به قدرت میرسند اشد ضرورت به وضع قانون اساسی دارند زیرا این قانون اساسی است که در مسایل چون بدست آوردن اعتبار ملی و بین المللی برای دولت جدید نوظهور فوق العاده کمک میکند که تا هم در داخل مشروعیت داخلی کسب کند و هم در بعد خارجی مشروعیت پیدا نموده و به رسمیت شناخته شود.

برای اثبات این مدعای خویش سری به تاریخ میزنیم، زمانی که دولت تازه تشکیل اسلامی در مدینه منوره رویکار شد از اولین اقداماتش منعقد ساختن پیمان مواخات در بین مسلمانان و میثاق مدینه در بین مسلمانان، قبایل مختلف یهود و بت پرستان مدینه بود. به همین ترتیب زمان که ایالات متحده امریکا استقلال خویش را از بریتانیا کسب کرد اولین اقدام ایالات سیزده گانه تصویب قوانین اساسی این ایالات بود، زمان که افغانستان در سال ۱۹۱۹م استقلال خویش را از انگلیس بدست آورد بعد از گذشت چهار سال دست به وضع قانون اساسی زد. پس اگر نظام فعلی هم خواسته باشد که هم

³⁰ سایت های اینترنتی گوگل و سایر معلومات متفرقه اینترنتی.

³¹ آریائی، کبیر، پیمان مدینه و مقایسته آن با قوانین اساسی معاصر، ص ۱۶۷.

در بعد مشروعیت داخلی و هم در بعد به رسمیت شناسی خارجی موفقانه عمل نماید پس بهتر است که یک قانون اساسی اسلامی که در آن همه خواسته های شرعی و انسانی همه افراد و اقشار جامعه پیش بینی شود را وضع نماید.

۱۰ - قانون اساسی مهم ترین قرار داد اجتماعی: قانون اساسی، به عنوان یکی از مهم ترین اسناد ملی یک کشور، نقش بسیار اساسی و حیاتی را در تعیین ساختار و عملکرد حکومت و حقوق و تعهدات شهروندان دارد. این قرارداد اجتماعی میان دولت و مردم، معمولاً شامل اصول و مقررات مبنی بر تقسیم قدرت، حقوق و تعهدات شهروندان، محدودیت های قدرت دولت، و موارد دیگر است که به منظور تنظیم روابط اجتماعی و سیاسی بین اعضای یک جامعه به کار می رود. قانون اساسی معمولاً به عنوان اصول اساسی برای سایر قوانین و مقررات در یک کشور عمل می کند و می تواند توسعه یابد یا تغییر یابد تا با تغییرات اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی سازگار شود. این اسناد معمولاً به صورت رسمی و با تأیید نمایندگان ملت، مانند لویه جرگه در افغانستان وضع میشود.³²

قانون اساسی در عصر فعلی به حیث مهم ترین قرار داد اجتماعی در بین دولت و اتباع آن دولت محسوب میگردد که از این حیث ضرورت زیاد به قانون اساسی حس میگردد.

۱۱ - قانون اساسی ملاک حکومت داری خوب: در عصر کنونی یکی از مهمترین شاخص ها برای شناخت حکومت داری خوب قانون مداری است. اینکه تاجه میزان قوانین بویژه قانون اساسی در یک جامعه واقعی اند و میتوان به اجرای آنها اطمینان داشت با شاخص حاکمیت قانون ارزیابی میشود. در این شاخص کیفیت اجرای قرار داد ها، عملکرد پولیس و محاکم، و همچنین میزان احتمال جرم و خشونت در یک جامعه مد نظر گرفته شود اگر پس از تدوین یک قانون، نتوانیم چندان به اجرای آن امید داشت و جرم به سبب عملکرد ضعیف پولیس و محاکم قابل پیگیری نباشد، نشاندهنده وجود حکومت داری ضعیف در یک کشور است. اما جامعه که اساساً فاقد قانون اساسی باشد، طبیعی است که ملاک و معیار سنجش برای حکومت داری خوب و حکمرانی کریمانه وجود ندارد. با این حساب بدون قانون اساسی ادعای حکومتداری خوب خیلی موجه نخواهد بود.³³

۱۲ - هدایت جامعه بدون قانون اساسی مشکل میباشد: رشد اجتماعی افراد یک جامعه را میتوان بر اساس شاخص رفتار های قاعده مند و منطبق بر قانون سنجید. زیرا رشد یافته ترین جوامع انسانی قانون مدار ترین آنهاست. در جامعه که قانون تطبیق نشود، هر رفتاری از هر کس محتمل و مورد انتظار است و این یکی از بدترین شرایطی است که میتوان تصور کرد. اضطراب، اغتشاش و تجاوز به حقوق دیگران، نتیجه طبیعی فقدان قانون است.

قانون اساسی مبناء اقتدار و مشروعیت سیاسی است، بدون قانون اساسی اقتدار و مشروعیت نظام های سیاسی، بی ثبات، ناپایدار، و متزلزل میباشد. قانون محور گردش جامعه است و اگر نباشد هرج و مرج بوجود میآید و نظم عمومی جامعه از بنیاد ویران میشود. برای همین است که کمتر جامعه، کشور یا دولتی را میتوان یافت که قانون اساسی نداشته باشد.³⁴

³² منابع انترنتی از سیاست های مختلف گوگل.

³³ <https://csrskabul.com/?p=7454>

³⁴ همان اثر

۱۳ - قانون اساسی و بازتاب ارزش های دینی: قانون اساسی در یک کشور بازتاب دهنده اصول و اساسات دینی و اعتقادات ملی اتباع آن کشور میباشد. در زمینه به ذکر چند مثال از قانون اساسی سال ۱۳۸۲ هـ ش اکتفا میکنیم: قبول اصل توحید، ایمان به خداوند، توکل به لزوم تسلیم در برابر اوامر وی در مقدمه قانون اساسی، نام کشور در ماده اول، « دولت جمهوری اسلامی افغانستان» قبول شده است؛ دین رسمی کشور در ماده دوم دین مقدس اسلام ذکر شده است؛ در ماده سوم، دین اسلام، منبع و مصدر تشریعی و قانون گذاری دانسته شده است؛ در ماده هفدهم دولت مکلف به انکشاف تعلیمات دینی، تنظیم مساجد، مدارس و مراکز دینی گردیده است، قبول مبدأ تقویمی کشور از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در ماده هژدهم، تسجیل روز جمعه به عنوان روز رخصتی، تزئین نشان ملی دولت افغانستان با محراب و منبر و تحریر کلمه طیبه در آن و ذکر کلمه مبارکه الله در ماده نوزدهم، تدوین نصاب مضامین دینی مکاتب بر مبنای مذاهب اسلامی موجود در کشور ماده چهل و پنجم، مکلفیت دولت به خاطر اتخاذ تدابیر لازم جهت از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام، ذکر شرط مسلمان بودن کاندید ریاست جمهوری، ادای حلف از طرف رئیس جمهور به نام خداوند بزرگ مبنی بر اطاعت از احکام دین مقدس اسلام، قبول احکام فقه حنفی من حیث مصدر تقنینی در ماده یکصد و سی ام، ممنوعیت تعدیل « اصل پیروی از احکام دین مقدس اسلام » طبق صراحت ماده یکصد و چهل و نهم قانون اساسی و سایر موارد³⁵.

از سایر ضرورت ها و نیاز ها به قانون اساسی میتوان موارد دیگری از قبیل: تعیین مرکزیت کشور، صراحت در باب بیان زبان های رسمی و ملی کشور، بیان رفع شکاف های اقلیتی در کشور و تأمین وحدت ملی در کشور، تقویت نهاد های سیاسی در کشور، اقتضای عصر و زمان به وضع قانون اساسی، بحث انکشاف متوازن در امورات مختلف کشور، دست رسی به اطلاعات، بیان معیار های مشارکت در قدرت، قانون اساسی مهمترین سند ثبات سیاسی کشور وغیره را تذکر داد. در کل از موضوعات این بحث به این نتیجه میرسیم که قانون اساسی نیاز بی چون و چرائی یک کشور و جامعه اسلامی پنداشته میشود.

نتیجه گیری

از بحث تحقیق حاضر نتایج کلی ذیل به دست میآید:

1. قانون اساسی مهم ترین وثیقه ملی حقوقی و سیاسی یک کشور محسوب میگردد که امروزه اکثریت کشور های جهان از این وثیقه ملی مستفید میباشد.
2. قانون اساس در رأس هرم قوانین قرار دارد یعنی قوانین دیگر مطابق اصول قانون اساسی شکل میگیرد.
3. قانون اساسی توسط بالاترین ارگان حقوقی و سیاسی در یک کشور وضع میگردد که در افغانستان معمولاً صلاحیت وضع قانون اساسی را جرگه به نام لویه جرگه به عهده دارد.
4. تاریخچه قانون اساسی با خلقت انسان در کره زمین یکجاء گره خورده با این تفاوت که قانون اساسی در قرون اولی و قبل از آن به شکل عرفی در بعضی جوامع انسانی وجود داشته بر عکس عصر حاضر که قانون اساسی به شکل منظم و نوشتاری در اکثریت کشور های جهان وجود دارد.

³⁵ خلیلی، محسن، افغانستان پیشا ملت نادرول، ۱۴۰۱ هـ ش، چاپ اول، انتشارات بدخشان، مشهد، ایران، ص ۲۱۴-۲۱۵.

5. اولین قانون اساسی کامل و نوشته شده که از خصوصیات قوانین اساسی امروزه برخوردار بود، قانون اساسی مدینه بود که توسط پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم برای اداره دولت شهری مدینه در اولین سال هجرت بوجود آمد.
6. افغانستان بعد از اخذ استقلال سیاسی خویش از انگلیس در زمان امیر امان الله خان، اولین قانون اساسی خویش را ساخت که از آن به بعد تا امروز افغانستان شاهد هشت قانون اساسی بوده که یکی پی دیگر و ضع و ملغا گردیده و در نهایت هم فعلا بدون کدام قانون اساسی به سر میبرد.
7. قانون اساسی در کشور های اسلامی در چارچوب اصول شریعت وضع میشود که از جایگاه اساسی برخوردار میباشد زیرا در اسلام حاکمیت از آن الله متعال میباشد دیگر هیچ کس حق قانون گذاری را به طور مطلق ندارد، مگر قانون گذاری در چوکات اصول شریعت اسلامی که اساس آن را شورا تشکیل دهد، مشکل شرعی ندارد بلکه خواست شریعت نیز همین است که مشکلات مردم به اساس مشوره حل و فصل شود که بلند ترین نمونه مشوره وضع قوانین و به خصوص قانون اساسی است که از مشوره علما و نمایندگان ملت ناشی میشود.
8. یک کشور و یک اداره سالم نیازمند قانون اساسی به اساس دلایل چون: مرجعیت اساسی دولت، عام بودن قانون اساسی، نیاز یک نظام نوپا به قانون اساسی، عدم تمرکز قدرت، تحقق عدالت وغیره میباشد.

پیشنهادات

- با در نظر داشت موضوع تحقیق و نتیجه گیری کلی که قبلا بیان کردیم، موارد ذیل را به حیث پیشنهادارائه میدارم:
1. با توجه به اهمیت و ضرورت قانون اساسی و نیاز جامعه افغانی به آن، بهتر است که امارت اسلامی افغانستان وضع قانون اساسی را از مهمترین اولویت های کاری خویش قرار داده و در وضع آن کوشش زیاد به خرچ دهد.
 2. قانون اساسی به تمام معنی اسلامی بوده باشد، زیرا تاریخ صد ساله کشور ما شاهد چندین قانون اساسی بوده که به گونه سلیقوی وضع و الغاء گردیده است، اما یک قانون اساسی اصیل و وضع شده مطابق روح کلی شریعت اسلامی به آسانی از بین نخواهد رفت.
 3. اولین قانون اساسی نوشته شده بشر قانون است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم وضع کرد، پس به تبعیت از این رفتار نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) یک قانون اساسی اسلامی وضع گردد خالی از مفیدیت، ارزش های ملی و سیاسی نخواهد بود.
 4. قانون اساسی جدید باید برای زمان فعلی و شرایط مقتضای عصر خود و کماکان آینده وضع شود تا نیازمندی های عمومی ملت را در تمام ابعاد زندگی برآورده بسازد.
 5. قانون اساسی یک وثیقه مهم ملی است، و مهم بودن آن در همه شمول بودن آن است، پس باید این قانون اساسی برای همه ملت قابل قبول باشد، و ملت از طریق نمایندگان خود در وضع آن نقش فعال داشته باشد.
 6. در این قانون اساسی تمام حقوق شرعی و انسانی افراد بازتاب یافته باشد، قسمیکه مطالعه کردیم از نمونه های بارز آن میثاق مدینه میباشد که در آن تمام حقوق ممکنه افراد در نظر گرفته شده بود.

۷. در این قانون اساسی عدالت اجتماعی به تمام معنی در نظر گرفته شده و نیز در عمل رعایت گردد تا ما افغان ها هم در عرصه ملی و بین المللی با داشتن حقوق ممکنه شرعی و دینی به حیث یک ملت مقتدر در آینده ظهور نمائیم.

منابع و مأخذ

القرآن الکریم

۱. آریائی، کبیر، پیمان مدینه و مقایسه آن با قوانین اساسی معاصر (رساله ماستری)، ۱۴۰۳ هـ ش، کابل، افغانستان.
۲. خلیلی، محسن، افغانستان پیشا ملت نادولت، ۱۴۰۱ هـ ش، چاپ اول، انتشارات بدخشان، مشهد، ایران.
۳. دانش، حفیظ الله، جزاشناسی، ۱۳۹۷ هـ ش، چاپ هشتم، انتشارات مستقبل، کابل، افغانستان.
۴. دانش، سرور، حقوق اساسی افغانستان، ۱۳۹۴ هـ ش، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه ابن سینا، کابل، افغانستان.
۵. رسولی، محمد اشرف، تحلیل و نقد قانون اساسی افغانستان، ۱۳۹۱ هـ ش، چاپ اول، انتشارات سعید، کابل، افغانستان.
۶. سباعی، مصطفی، سیرت نبوی (درس ها و اندرز ها)، مترجم: فضل الرحمن فاضل، ۱۳۹۵ هـ ش، چاپ چهاردهم، بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان.
۷. ظریفی، شیرعلی، مبادی حقوق، ۱۳۹۴ هـ ش، چاپ سوم، انتشارات مستقبل، کابل، افغانستان.
۸. قاضی (شریعت پناهی)، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهاد های سیاسی، ۱۳۸۳ هـ ش، چاپ دوازدهم، نشر میزان، تهران، ایران.
۹. گولن، محمد فتح الله، نور جاویدان، مترجم: فیض محمد عثمانی، ۱۳۸۸ هـ ش، چاپ اول، جلد دوم، انتشارات باران، کابل، افغانستان.
۱۰. مودودی، ابوالاعلی، خلافت و ملوکیت، مترجم: خلیل احمد حامدی، ۱۳۸۵ هـ ش، بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان.
۱۱. مولانا گوهر رحمان، سیاست اسلامی، ۱۳۹۴ هـ ش، چاپ اول، انتشارات مستقبل، کابل افغانستان.
۱۲. نذیر، داد محمد، مبادی علم حقوق، ۱۳۹۵ هـ ش، چاپ هفتم، انتشارات رسالت، کابل، افغانستان.
۱۳. نیاز، عبدالوحید، حقوق اساسی عمومی، ۱۳۹۳ هـ ش، چاپ اول، انتشارات لاجورد، کابل، افغانستان.
۱۴. ویرژیل گئورگیو، کنستان، محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، مترجم: ذبیح الله منصوری، ۱۳۸۸ هـ ش، چاپ هفتم، انتشارات زرین، تهران، ایران.
۱۵. هاشمی، محمد طاهر، حقوق اساسی و مؤسسات سیاسی، ۱۳۹۱ هـ ش، چاپ سوم، انتشارات یوسفزاد، کابل، افغانستان.

16. یکن، فتحی، مسلمان بودن از ما چه می‌خواهد؟، مترجم: عبدالقدیر صالحی، ۱۳۹۹ هـ ش، چاپ دوم، انتشارات اصلاح افکار، کابل، افغانستان.
17. وزارت عدلیه، جریده رسمی سال ۱۳۸۲ هـ ش، قانون اساسی.
18. مجموعه از نویسندگان، نمونه از قانون اساسی اسلام، مترجم الحاج احمد سیر مهجور، ۱۳۱۹ هـ ش، چاپ اول، انتشارات مؤسسه جهاد، پاکستان.
19. مجله علمی پوهنتون سلام، سال هفتم، شماره ۱۲، خزان ۱۴۰۱ هـ
20. <https://csrskabul.com/?p=7454>
21. سایت های اینترنتی گوگل